

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و دوم - زمستان ۱۳۹۷

ص: ۷-۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج

دکتر صادق ملکی آوارسین^۱

دکتر نیر سید نظری^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بود. روش پژوهش از نوع توصیفی-موردشناسی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه بود که نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از بین دانشجویان دختر مجرد، به تعداد ۱۰۰ نفر به صورت موردی انتخاب گردید. در این پژوهش از پرسشنامه انتظار از ازدواج استفاده گردید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸ به دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، فریدمن، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک‌طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که انتظار واقع‌گرایانه از اولویت بالاتری برخوردار بوده و انتظار بدبینانه دارای پایین‌ترین اولویت است. همچنین با افزایش سن، میزان کلی انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه و انتظار ایده‌آل‌گرایانه کاهش و انتظار بدبینانه افزایش می‌یابد. انتظار کلی از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه از ازدواج بر حسب مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند.

واژه‌های کلیدی: انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه، انتظار بدبینانه

۱. دانشیار مدیریت آموزشی گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. دانش آموخته دکتری مدیریت آموزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

ازدواج بنیادی ترین و با ارزش ترین رابطه انسانی است، چرا که از طریق ازدواج ساختار خانواده شکل گرفته و تربیت و بقاء نسل امکان پذیر می‌شود. البته ازدواج در همه جا الزاماً معنای یکسانی ندارد، اما همه آنها با هدف تشکیل خانواده و نیز تولید مثل صورت می‌گیرد (غیبی، ۱۳۸۸). ازدواج یکی از بهترین نیازهای آدمی است که دین مقدس اسلام به آن اهمیت فراوانی داده است و آن را از بهترین سنت‌های دینی شمرده که مایه برکات بی‌شماری است. از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است، که این خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (سوره روم، آیه ۲۱). رسول خدا (ص) نیز فرموده اند: هیچ بنایی در اسلام بنیانگذاری نشده که نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳). ازدواج نهادی همگانی است، به طوری که همه فرهنگ‌ها، نژادها، گروه‌های قومی یا مذهبی را شامل می‌شود و هم ارادی و هم قانونی است (اماگ^۱، ۲۰۱۳). ازدواج تجلی بنیادی و موقعیتی ارجح برای مهم‌ترین و از نظر اجتماعی، سودمندترین شکل از وابستگی صمیمی است (واردل^۲، ۲۰۱۱). ازدواج راهی است که از طریق آن نیازهای عاطفی و غرایز جنسی افراد به صورت مشروع ارضاء و برآورده می‌گردد. از طریق انجام ازدواج‌های شایسته، نسل فردا به دنیا می‌آید و با ارزش‌ها و اخلاقیات و آداب و رسوم جامعه آشنا می‌گردد. میراث فرهنگی جامعه را تحویل گرفته و به خوبی به نسل بعد از خود می‌سپارد. با شکل‌گیری خانواده‌های جدید همواره نسلی نو شکفته و پویا قدم به عرصه حیات نهاده و طراوت جامعه را تضمین می‌نماید و با پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در طریق خلیفه‌الله شدن گام می‌نهند (غیبی، ۱۳۸۸). بر اساس تعاریف، ازدواج عملی است که پیوند دو جنس مخالف را برپایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود. از سوی دیگر، در تعریف ازدواج، روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ چراکه ازدواج، مستلزم انعقاد قرارداد اجتماعی است که موجب مشروعیت روابط جسمانی می‌شود. به بیان دیگر، در راه تحقق ازدواج باید شاهد تصویب جامعه نیز باشیم (افروز، ۱۳۸۱). به عقیده دورکیم، ازدواج و به تبع آن خانواده، تحولات عمده ای را پشت سر گذاشته است. به سخن وی، "خانواده گروهی طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد؛ بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده‌اند". وی در کتاب تقسیم کار اجتماعی، ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار تحولات ازدواج و خانواده را به صورت بروز بی‌هنجاری و اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی بررسی می‌کند. به عقیده دورکیم، با گذر به جامعه ارگانیکی، وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). به طور کلی ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای می‌باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. ازدواج عملی بسیار پراهمیت است که احتیاج به روح و جسم سالم، فداکاری، قدرت خلاقیت،

۱. Omage

۲. Wardle

صرف نیرو، شجاعت، اندیشه و توانایی دارد و اگر ازدواج بر مبنای احساسات سطحی و زودگذر بنا گذاشته شود موجب آثار ناگواری بر روی فرزندان آنان و موجب تظاهرات گوناگون روانی و سرشکستگی اجتماعی می‌گردد (دژکام، ۱۳۹۰).

عوامل مختلفی در شکل‌گیری فرایند ازدواج تأثیرگذار است که یکی از این عوامل فرایندهای درون-فردی است که از آن جمله می‌توان به نگرش ازدواج اشاره کرد. نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده و باورهای ذهنی فرد نسبت به ازدواج (براتن و روزن^۱، ۱۹۹۲). وقتی از ازدواج صحبت می‌شود، موضوعاتی مثل نقش‌های مورد انتظار از همسر و انتظارات و اهداف از تشکیل خانواده و ازدواج به ذهن می‌رسد. بنابراین یکی از موضوعاتی که در بحث خانواده و ازدواج، مهم به نظر می‌رسد و در شکل‌دهی روابط صمیمانه با سلامت جسمانی و هیجانی نقش دارد، انتظارات فرد از ازدواج است (خمسه، ۱۳۸۴). جونز و بوردت^۲ بیان کردند که مهمترین قسمت هر رابطه از جمله ازدواج، انتظارات است (وست^۳، ۲۰۰۶). منظور از انتظار از ازدواج، میزان خشنودی/ناخشنودی، رضایت/نارضایتی و احتمال طلاق است که افراد برای خود پیش بینی می‌کنند (استینبرگ، داویلا و فینچم^۴، ۲۰۰۶). انتظار از ازدواج از عوامل درون فردی و بین فردی متعددی نشأت می‌گیرد. در این میان یکی از عوامل درون فردی مؤثر بر انتظار از ازدواج، دلبستگی است. دلبستگی، پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین می‌کوشد مجاورت به انگاره دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند که مطمئن شود که ارتباط ادامه دارد (پاپالیا، ۲۰۰۲). همچنین سن، قومیت‌گرایی، جنسیت، مذهبی بودن، وضعیت تأهل، و تجارب درباره رابطه‌ها می‌توانند در انتظار از ازدواج نقش ایفا کنند (پارک و روسن^۵، ۲۰۱۳). افراد الگوهای شناختی رفتاری و عاطفی خود را از محیط خانواده می‌گیرند و محیط خانواده بر عزت نفس، انتظارات، نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی افراد نسبت به مسائل مختلف تأثیر می‌گذارد (وایز و کینگ^۶، ۲۰۰۸). می‌توان انتظار داشت که انتظارات زناشویی در نتیجه اجتماعی شدن دختران و پسرانی که انتظاراتی ایده‌آلیستی، بدبینانه، یا واقع-گرایانه درباره نقش‌هایشان در روابط آینده را کسب کرده‌اند، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. درست همان زمانی که کودکان برای فراگیری نقش‌های جنسیتی در طول مراحل زندگی جامعه‌پذیر می‌شوند، انتظارات زناشویی آینده را از تجارب مختلف که در خانواده‌های خود مشاهده می‌کنند، فرا می‌گیرند. اگر تجارب یا مشاهدات، مثبت یا منفی باشند، به همان نسبت انتظاراتی اتخاذ می‌شود که رفتار را هدایت خواهد

1. Brateen & Rosen

۲. Jones & Burdette

۳. West

۴. Steinberg, Davila & Fincham

۵. Park & Rosén

۶. Wise & King

کرد(دیلون^۱، ۲۰۰۵). انتظار از ازدواج از آن جهت واجد اهمیت است که پیامدها و رضایت از رابطه زناشویی در آینده را شکل می‌دهد. به بیان دیگر انتظارات، نقش همسران در تعاملات بین فردی را مشخص می‌کند(هولمن، ۲۰۰۱).

در دوران کنونی، مسائل ازدواج در کشور ما نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. کشور ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که با تغییرات اجتماعی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌روست. تغییراتی که موجب شده تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را نه فقط به عنوان یک رابطه جنسی و تولید فرزند، بلکه برای به وجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیش‌تر از گذشته شده است(کاظمی پور، ۱۳۸۸). جامعه ایرانی، همچون دیگر جوامع، تحت تأثیر بروزهای عینی و ذهنی مدرنیته تنوع و تکثر در علایق و انتظارات، ایجاد سبک‌های مختلف زندگی، از دست رفتن خودکفایی اقتصادی خانواده، رشد وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، رشد آگاهی‌های فردی، هویت‌های متنوع، افزایش شک بنیادین و روحیه حسابگرانه قرار دارد(صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد در حال حاضر با توجه به تغییرات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در جامعه، سطح انتظارات و توقعات افراد از ازدواج تغییر یافته و همین امر منجر به افزایش سن ازدواج در دختران و پسران شده است. از این رو این پژوهش به منظور بررسی دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج انجام گرفته است.

اهداف پژوهش

هدف کلی:

تعیین دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج

اهداف اختصاصی:

۱. تعیین دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج

بر حسب سن آنان

۱. Dillion

۲. تعیین دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بر حسب مدرک تحصیلی آنان

مبانی نظری

افزایش سن ازدواج دختران و تغییر معیارهای همسرگزینی را می توان از سه رهیافت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبیین کرد. رهیافت اجتماعی با نظریه مدرنیزاسیون، رهیافت اقتصادی با نظریه مبادله (عرضه و تقاضا) و رهیافت فرهنگی با نظریه برابری جنسیتی توضیح داده می شود. باید توجه داشت که نظریه مدرنیزاسیون، دو نظریه مبادله و برابری جنسیتی را با خود به همراه دارد.

نظریه مدرنیزاسیون: نظریه مدرنیزاسیون توسط ویلیام گود مطرح شد. این نظریه، دگرگونی در خانواده را نتیجه اجتناب ناپذیر دگرگونی های ساختاری (جامعه) و دگرگونی های ایدئولوژیکی می داند. به عقیده وی، هنگامی که دگرگونی های ساختاری (مانند صنعتی شدن، شهرنشینی و...) و دگرگونی های ایدئولوژیکی در سطح کلان رخ می دهد، سازمان های سطوح خرد (خانواده) نیز باید به اجبار خود را با سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۰). مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می گیرد. در میان مهم ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد (آستین افشان، ۱۳۸۰).

نظریه مبادله: فرض اساسی نظریه مبادله آن است که مردم در انتخاب های خود منطقی بوده و درصد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. بارتز و نای (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج، دو دسته تعیین کننده ازدواج را مشخص کرده اند: دسته اول، آن هایی هستند که باعث می شوند ازدواج برای فرد رضایت بیش تری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم، آن هایی هستند که باعث می شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین های نامطلوب، برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آنها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی - اجتماعی ازدواج، یک قضیه نظری عام مطرح کردند، به این صورت که هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیش تر باشد، ازدواج زودرس بیش تر خواهد بود. (کنعانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

نظریه برابری جنسیتی: از جمله اصول این مدل، توجه کامل به مرد و زن، برابری منابع درآمد، مشارکت زنان در فعالیت های ارزشمند اجتماعی و کشیدن خط بطلان بر سیاست های مردسالاری است. ملاحظه می شود که در برابری جنسیتی، بیش ترین بحث، برابری فرصت بین دو جنس است. برابری از لحاظ آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و غیره. با توجه به این دیدگاه، زنان در زمینه فرصت های شغلی، آموزشی و

غیره سعی می‌کنند گام به گام مردان پیش روند. در نتیجه این برابری جنسیتی (یا رقابت جنسیتی)، سن ازدواج زنان به تأخیر می‌افتد (کاظمی پور، ۱۳۸۹).

پیشینه

نتایج تحقیق حبیب‌پور گتایی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، تحصیلات بالاتری دارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است.

نتایج پژوهش نیکخواه، فانی و اصغرپور ماسوله (۱۳۹۶) نشان داد بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، دین‌داری، اعتقاد به هزینه فرصت و کلیشه‌های نقش جنسیتی با نوع نگرش به ازدواج، رابطه وجود دارد. بیش‌ترین میزان اثرگذاری در نگرش سنتی به ازدواج مربوط به متغیر دین‌داری و برای نگرش مدرن به ازدواج، مربوط به هزینه فرصت است. همچنین به لحاظ توصیف توزیع پاسخ‌گویان نسبت به نوع نگرش به ازدواج، نتایج نشان دادند بیشتر پاسخ‌گویان، نگرش سنتی‌تری به ازدواج داشتند.

در پژوهش کرایبی، کیانپور برجوبی و قیصری (۱۳۹۵) عوامل روان‌شناختی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی به ترتیب به عنوان عوامل مؤثر بر نگرش منفی دانشجویان مجرد دانشگاه‌های شهر اهواز نسبت به ازدواج شناسایی شدند.

در پژوهش خجسته‌مهر، محمدی و عباس‌پور (۱۳۹۵) ۱۲ طبقه و مضمون اصلی شامل عوامل فرهنگی - اجتماعی؛ طبقه تجربیات اولیه و مشاهده الگوهای ناقص؛ آگاهی و شناخت یکدیگر؛ حمایت‌های مادی و معنوی؛ طبقه ادراک حرمت و قداست ازدواج؛ فشارهای ازدواج؛ دخالت والدین و انتقال بین‌نسلی؛ عوامل اقتصادی؛ راهبردهای مقابله متناسب با نگرش؛ رشد شخصی ادراک شده و اشتیاق به ازدواج؛ دوسوگرایی در تمایل به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج شناخته شد. بر اساس این مطالعه، تغییر نگرش به ازدواج، به عنوان عامل اساسی ترغیب‌کننده جوانان به ازدواج، طی رویکردی سیستمی (طرح کلی) صورت می‌گیرد.

شکریبگی، احمدی و ابراهیمی‌منش (۱۳۹۵) در بررسی معنای زندگی زناشویی در ازدواج‌های ناموفق به تفاوت میان تصورات زنان پیش و پس از جدایی پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش آنان بیانگر شکاف عمیق میان تصورات پیشین از مردان به عنوان شوهر، فلسفه زندگی و ازدواج اشاره دارد.

یافته‌های پژوهش حسینی و ایزدی (۱۳۹۵) مؤید آن است که به‌رغم تفاوت در علل تجرد (تجرد خودخواسته و ناخواسته)، بیش‌تر سوژه‌ها احساسات دوگانه‌ای (خشنودی از استقلال و آزادی ناشی از تجرد

و احساس تنهایی و توصیه ازدواج به دیگران به مجرد داشتند. از دیگر دلالت‌های مجرد، هویت ناقص با زیر مقولات هویت تکامل نیافته و هویت جنسیتی تحقق نیافته بود.

نتایج تحقیق محبی، سیاح و سادات حسینی (۱۳۹۵) نشان داد تأخیر در ازدواج حاوی دلالت‌های دوگانه فرصت‌سازی و فرصت‌سوزی برای دختران دانشجوی است. مشارکت کنندگان، علل تأخیر در ازدواج را تنگنای ازدواج، ریسک ازدواج، زاویه‌گیری خانواده از ازدواج، آنومی در ازدواج، تغییر فضا و ترجیحات نوین همسرگزینی، محاسبه هزینه فایده ازدواج، سپهر روانی مجرد، بی‌اخلاقی‌های اجتماعی و بازاندیشی در هویت زنانه برشمرده اند.

نتایج پژوهش نقیبی و حمیدی (۱۳۹۴) نشان داد که متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فردی و عوامل فرهنگی، فضای مفهومی نگرش به ازدواج را تبیین و پیش‌بینی نموده‌اند. در عوامل اقتصادی متغیر شاغل بودن، در عوامل اجتماعی متغیر مسئولیت‌پذیری طرفین، در عوامل فردی متغیر نیافتن فرد مناسب و در عوامل فرهنگی متغیر اعتقادات مذهبی اهمیت بیش‌تری داشتند. مهم‌ترین ملاک انتخاب همسر از سوی نمونه‌های پژوهش، وفاداری و تعهد اخلاقی بود. بین متغیرهای دموگرافیک و نگرش نسبت به ازدواج، ارتباط معنی‌داری یافت نشد.

یافته‌های پژوهش فلاحی، فلاح‌چای و زارعی (۱۳۹۳) بیانگر این بود که تفاوت معناداری بین انتظارات از ازدواج زنان و دختران وجود دارد. یافته‌ها تفاوت معناداری بین دو گروه در سه خرده‌مقیاس اصلی انتظارات، قصد ازدواج، نگرش کلی به ازدواج، و انتظار از ازدواج را نشان داد. در خرده‌مقیاس‌های فرعی، تفاوت معناداری بین نگرش منفی به ازدواج، ترس/شک و تردید و عشق در زنان و دختران وجود داشت. اما تفاوت معناداری در سایر خرده‌مقیاس‌ها از قبیل احترام، اعتماد، مسائل مالی، معنا، و صمیمیت جسمانی مشاهده نشد. همچنین، از نظر هدف از ازدواج بین اهداف با انگیزه عاطفی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، و ایده‌آل‌گرایانه تفاوت معناداری مشاهده شد، اما بین اهداف جنسی تفاوت معنادار نبود. نتیجه کلی این مطالعه بیانگر این بود که زنان نسبت به دختران، انتظارات بالاتری از ازدواج داشتند و هدف از ازدواج زنان و دختران، متفاوت بود.

در پژوهش حسین پور لنگرودی، نوری قاسم‌آبادی و وکیلی (۱۳۹۲) نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین سبک دلبستگی ایمن با نگرش افراد در مورد ازدواج بود. همچنین مشخص شد بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی/دوسوگرا با نگرش افراد در مورد ازدواج رابطه معناداری وجود ندارد. سهم دلبستگی ایمن در نگرش کلی درباره ازدواج از سایر خرده‌مقیاس‌ها بیشتر است، به طوری که با افزایش سبک دلبستگی ایمن، نگرش کلی نسبت به ازدواج افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش بیدی، ابراهیمی اول، صامی محبوب، و آتیه‌دوست (۱۳۹۱) نشان داد که بیش‌تر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار نگرش مثبتی نسبت به ازدواج در دوران دانشجویی دارند. مهم‌ترین عامل ازدواج در این دانشجویان، احساس تنهایی و نیاز به داشتن همدم و بیش‌ترین طریقه آشنایی برای ازدواج، از طریق خویشاوندی بوده است.

نتایج پژوهش نیلفروشان، عابدی، نویدیان و احمدی (۱۳۹۰) که به بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج نیز پرداختند، حاکی از این بود که دختران در مقایسه با پسران، انتظار بدبینانه‌تری از ازدواج داشتند.

یافته‌های پژوهش باقریان و کاظمیان (۱۳۹۰) نشان داد که نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به ازدواج و مؤلفه‌های جو اجتماعی خانواده همبستگی مثبتی با ضریب همبستگی پیرسون $0/۳۷$ در سطح معناداری $0/۹۹$ و نگرش دانشجویان نسبت به طلاق و مؤلفه‌های محیط خانواده همبستگی منفی با ضریب همبستگی پیرسون $0/۴۱$ و سطح معناداری $0/۹۹$ داشت. یافته‌های این پژوهش، نقش نگرش نسبت به ازدواج و طلاق در جو اجتماعی خانواده را مورد توجه قرار داد و نشان داد نگرش نسبت به ازدواج و طلاق می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده جو اجتماعی خانواده تلقی شود.

نتایج پژوهش باقیانی‌مقدم، مسعودی بروجنی، میرزایی علویجه و شهبازی (۱۳۹۰) نشان داد ارتباط آماری معنی‌داری بین جنسیت و قبول همسر آینده با شرایط موجود، توانمندبودن برای زندگی مشترک آینده، اطمینان کافی برای ازدواج، اعتقاد به فایق شدن بر مشکلات زندگی آینده وجود داشته، به‌طوری که دختران نگرش ضعیف‌تری از خود، شوهر و زندگی خود داشته‌اند. به طور کلی نگرش دختران و پسران در رابطه با شناخت همسر آینده و زندگی مشترک در سطح متوسطی بوده است.

یافته‌های پژوهش کاظمی پور (۱۳۸۸) نشان داد که مهم‌ترین علل افزایش سن ازدواج پسران در جامعه ما مشکلات مالی، اقتصادی و نداشتن شغل عنوان شده است که در مورد افراد مجرد شاید از جمله عوامل منحصر به فرد بوده‌اند؛ در صورتی که افراد متأهل، متوقع بودن دختران و تجمل‌گرایی را نیز یکی از عوامل افزایش سن ازدواج پسران دانسته‌اند. همچنین مهم‌ترین عوامل افزایش سن ازدواج دختران در جامعه ما از دید هر سه گروه از پاسخگویان (مجرد، متأهل و مطلقه) عبارت بودند از: متوقع بودن دختران و تجمل‌گرایی، مشکلات مالی و نداشتن جهیزیه، ادامه تحصیل و عدم وجود خواستگار مناسب یا بیشتر بودن دختران.

نتایج مطالعه استاکمن، ریویر و مدلی^۱ (۲۰۱۶) که به بررسی نگرش نسبت به ازدواج، ادراک از در دسترس بودن شریک و نگرش نسبت به دوستی بین‌نژادی میان دانشجویان مرد و زن سیاه تبار در دو دانشگاه نژاد سیاه و یک مؤسسه به طور عمده نژاد سفید پرداختند، اکثر دانشجویان نگرش مثبت نسبت به

۱. Stackman, Reviere & Medley

ازدواج داشتند، با این که نگرش زنان به طور قابل توجهی مطلوب تر از مردان بود. در حالی که هر دوی مردان و زنان گزارش گزینه‌های شریک رمانتیک ناکافی را داشتند، دانشجویان زن در دانشگاه سفید تبار به احتمال زیاد گزینه‌های شریک ناکافی را نسبت به دانشجویان مرد و نژاد سیاه گزارش می‌دادند. اکثر دانشجویان (۷۲/۶٪) طرفدار دوستی بین‌نژادی بودند، اما مردان در دانشگاه سیاه تبار دارای نگرش مثبت تر بودند. یافته‌ها تفاوت‌های جنسیتی و موقعیتی در نگرش‌ها و نیاز به مطالعات دقیق تر نگرش‌های دانشجویان سیاه را نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش کوتینهو^۱ (۲۰۱۳) که به بررسی نگرش‌ها نسبت به ازدواج در طی گذار به دوره بزرگسالی در ایالات متحده پرداخته، نشان می‌دهند که نژاد، دین، درآمد و ترتیبات زندگی قبل از ازدواج، تأثیر زیادی روی نقاط عطفی مانند تکمیل تحصیلات یا زندگی کردن با هم دارند که باید پیش از ازدواج به آنها دست یافت. اگرچه شادی، عشق، کیفیت روابط، تعهد، و استمرار، در کنار رضایت از زندگی نقش مهمی در زمان تصمیم‌گیری برای ازدواج دارد، به‌خصوص وقتی چیزهایی مانند تحصیلات بالا و درآمد کافی توسط موقعیت اجتماعی- اقتصادی شما، تضمین شده به نظر برسد. نتایج دیگر به هنجارهای اجتماعی، سن و جنسیت، انتظارات و نگرانی‌هایی توجه کرده‌اند که در فرآیند بلوغ در طول زندگی یافت شدند، به‌علاوه، استراتژی‌های جوانان را برای کنار آمدن یا به انجام رساندن گذارشان به جوانی و جای گرفتن در نهادهای اصلی اجتماعی، مشخص کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش شیوالی^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان داد که درک ارزش‌های کلی در مورد ازدواج، در میان جوانان امروزی دانشگاه، تغییر زیادی نکرده است. آن‌ها هنوز هم با ارزش‌های مرسوم موافق هستند. جوانان شدیداً احساس می‌کنند که در روزگار فعلی، وظیفه زن شامل حمایت مالی از همسرش نیز می‌شود. یکی دیگر از نکات جالب توجه این بود که جوانان احساس کردند که ازدواج، آزادی شخصی را محدود نمی‌کند. جوانان امروزی هنوز هم به برخی از ارزش‌های سنتی ازدواج احترام می‌گذارند.

نتایج پژوهش سروتی و وبر^۳ (۲۰۱۱) حاکی از این بود که زنان نسبت به مردان، نگرش قوی‌تری در مورد این که افراد اغلب به خاطر عشق ازدواج می‌کنند، دارند؛ اگرچه هر دو جنس موافق بودند که افراد بیشتر به خاطر عشق ازدواج می‌کنند اما زنان، نگرش قوی‌تری نشان دادند. درصد بالایی از مردان و زنان، نظری در مورد عبارت "تکامل شخصی، دلیل ازدواج است"، نداشتند. در مورد عبارت "ازدواج به خاطر جامعه مدنی صورت می‌گیرد"، تفاوت جنسیتی زیادی وجود داشت.

۱. Coutinho

۲. Shivalli

۳. Servaty & Weber

نتایج پژوهش تورنتون^۱ (۲۰۰۵)، حاکی از افزایش سن ازدواج، افزایش ازدواج درون گروهی، مجاز شدن جدایی، انتخاب همسر توسط خود اکثر جوانان، و کاهش چندهمسری بود که این رفتارها متأثر از عوامل ناشی از توسعه مانند گسترش تحصیلات و استفاده از وسایل ارتباط جمعی بود.

فرضیه های پژوهش

۱. دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج متفاوت است.

۲. دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بر حسب سن آنان متفاوت است.

۳. دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بر حسب مدرک تحصیلی آنان متفاوت است.

تعریف متغیرها

تعریف نظری انتظار از ازدواج:

انتظارات به عنوان تصاویری در مورد ازدواج تعریف می‌شوند که زن و شوهر برای خود در چارچوب رابطه ایجاد می‌کنند. به طور کلی، اصطلاح انتظار از ازدواج به این مفهوم اشاره دارد که چطور افراد ازدواج آینده‌شان را شاد یا ناخشنود پیش‌بینی می‌کنند و این که چقدر احتمال می‌دهند که طلاق بگیرند (ریوس^۲، ۲۰۱۰).

تعریف عملی انتظار از ازدواج:

در پژوهش حاضر به منظور سنجش انتظار از ازدواج، از مقیاس انتظار از ازدواج جونز و نلسون^۳ (۱۹۹۶) استفاده شد که سؤال‌های آن، انتظارات افراد در مورد مؤلفه‌های اصلی ازدواج مانند توافق، برابری و صمیمیت را ارزیابی می‌کنند. این ابزار افراد مجرد را در سه عامل انتظارات واقع‌بینانه، ایده‌آل‌گرایانه و بدبینانه طبقه‌بندی می‌کند.

۱. Thornton

۲. Rios

۳. Jones & Nelson

روش و ابزار

روش پژوهش از نوع توصیفی-موردشناسی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد که نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از بین دانشجویان دختر مجرد، به تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب گردید. در این پژوهش از پرسشنامه انتظار از ازدواج استفاده گردیده که حاوی ۴۰ گزاره است. گویه‌های این مقیاس بر اساس عناصر مختلف ازدواج از جمله صمیمیت، توافق و برابری تدوین شده است که گزاره‌های مربوط به صمیمیت شامل جملاتی راجع به نزدیکی هیجانی، ارتباط و رابطه جنسی است، گزاره‌های برابری مسائل مربوط به امور منزل، خانواده، دوستان، و فرزندان است، گزاره‌های توافق نیز شامل جملاتی در رابطه با شخصیت و جذابیت همسر آینده، و فعالیت‌های تفریحی در زندگی آینده است. پاسخ‌دهنده برای پاسخ به گویه‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱: کاملاً مخالفم تا ۵: کاملاً موافقم استفاده کرده است. بنابراین حداقل نمره ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. نمره‌گذاری گزاره‌های ۴، ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۸ به طور معکوس می‌باشد.

نمرات پایین‌تر، نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه از ازدواج و نمرات بالاتر، نشان‌دهنده انتظارات ایده‌آل-گرایانه از ازدواج است و نمراتی که در حد وسط هستند، انتظارات واقع‌گرایانه را نشان می‌دهند. همچنین نمرات بالا در خرده مقیاس‌های انتظار ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه، نشان‌دهنده انتظارات ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه‌تر است در حالی که در خرده‌مقیاس انتظار بدبینانه، نمرات پایین‌تر، نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه‌تر است. با توجه به این که این پرسشنامه استاندارد می‌باشد، اعتبار آن در تحقیقات مختلف، مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، $0/8$ به دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، فریدمن، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک‌طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که انتظار واقع‌گرایانه از اولویت بالاتری برخوردار بوده و انتظار بدبینانه دارای پایین‌ترین اولویت است. همچنین با افزایش سن، میزان کلی انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه و انتظار ایده‌آل‌گرایانه کاهش و انتظار بدبینانه افزایش می‌یابد. انتظار کلی از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه از ازدواج بر حسب مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند.

نتایج

الف) یافته‌های مربوط به بخش توصیفی

از کل نمونه مورد بررسی، ۷ درصد در دوره کاردانی، ۵۷ درصد کارشناسی، ۳۱ درصد کارشناسی ارشد و ۵ درصد دکتری مشغول به تحصیل بودند (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع فراوانی براساس دوره تحصیلی

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
کاردانی	۷	٪۷
کارشناسی	۵۷	٪۵۷
کارشناسی ارشد	۳۱	٪۳۱
دکتری	۵	٪۵
کل	۱۰۰	٪۱۰۰

همچنین میانگین سن پاسخگویان برابر ۲۴/۱۶ سال، کمترین مقدار برابر ۱۸ و بیشترین مقدار برابر ۴۰ سال است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: جدول شاخص‌های توصیفی سن

تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
۱۰۰	۲۴/۱۶	۵/۰۵۵	۱۸	۴۰

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. چنانچه در جدول شماره ۳ آمده، با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که متغیرهای انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه دارای توزیع نرمال می‌باشند ($p > 0.05$).

جدول ۳: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
-------	----------------------------	---------------

انتظار از ازدواج	۱۰۰	۰/۶۳۳	۰/۸۱۸
انتظار واقع‌گرایانه	۱۰۰	۰/۸۹۱	۰/۴۰۵
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	۱۰۰	۰/۶۱۰	۰/۸۵۱
انتظار بدبینانه	۱۰۰	۰/۸۵۱	۰/۴۶۴

ب) آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱) دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج متفاوت است.

به این منظور از آزمون t تک نمونه‌ای و فریدمن به شرح زیر استفاده شده است:

برای بررسی میزان انتظارات از ازدواج، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است (جدول شماره ۴). نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان انتظارات از ازدواج

مقدار آزمون = ۳							
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون
انتظار از ازدواج	۱۰۰	۳/۷۳	۰/۴۴	۱۶/۵۶۹	۹۹	۰/۰۰۱	۰/۷۳
انتظار واقع‌گرایانه	۱۰۰	۳/۸۱	۰/۴۵	۱۷/۹۱۴	۹۹	۰/۰۰۱	۰/۸۱
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	۱۰۰	۳/۶۵	۰/۵۱	۱۲/۶۶۲	۹۹	۰/۰۰۱	۰/۶۵
انتظار بدبینانه	۱۰۰	۲/۴۸	۰/۶۴	-۸/۱۱۰	۹۹	۰/۰۰۱	-۰/۵۲

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای حاکی از این است که میزان انتظار از ازدواج ($m=3/73 > 3$)، میزان انتظار واقع‌گرایانه ($m=3/81 > 3$) و میزان انتظار ایده‌آل‌گرایانه ($m=3/65 > 3$) به‌طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط می‌باشد، درحالی که میزان انتظار بدبینانه از ازدواج به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد ($m=2/48 < 3$ و $p < 0/05$).

برای اولویت‌بندی انتظارات از ازدواج، از آزمون فریدمن استفاده شده است (جدول شماره ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی انتظارات از ازدواج

متغیر	تعداد	میانگین	میانگین رتبه	مقدار χ^2	درجه آزادی	سطح معنی داری
انتظار واقع‌گرایانه	۱۰۰	۳/۸۱	۲/۶۵			
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	۱۰۰	۳/۶۵	۲/۱۶	۱۰۹/۵۱۳	۲	۰/۰۱
انتظار بدبینانه	۱۰۰	۲/۴۸	۱/۲۰			

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که بین میانگین رتبه‌های انتظارات از ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$ و $X^2 = 109/513$). ملاحظه می‌شود که انتظار واقع‌گرایانه از اولویت بالاتری برخوردار است و انتظار بدبینانه دارای پایین‌ترین اولویت است.

فرضیه ۲) دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بر حسب سن آنان متفاوت است.

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون برای سن و انتظارات از ازدواج

ضریب همبستگی	انتظار از ازدواج	انتظار واقع‌گرایانه	انتظار ایده‌آل‌گرایانه	انتظار بدبینانه
سن	** - ۰/۳۳۹	** - ۰/۳۰۷	** - ۰/۲۶۴	** - ۰/۳۲۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱

تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
-------	-----	-----	-----	-----

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین سن و انتظار از ازدواج ($r = -0/34$ و $p < 0/05$)؛ بین سن و انتظار واقع‌گرایانه ($r = -0/31$ و $p < 0/05$)؛ بین سن و انتظار ایده‌آل‌گرایانه ($r = -0/26$ و $p < 0/05$) رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد. بین سن و انتظار بدبینانه رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$ و $r = 0/33$). در واقع، با افزایش سن، میزان کلی انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه و انتظار ایده‌آل‌گرایانه کاهش و انتظار بدبینانه افزایش می‌یابد.

فرضیه ۳) دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج بر حسب دوره تحصیلی آنان متفاوت است.

جدول ۷: نتایج آنالیز واریانس برای مقایسه انتظارات از ازدواج بر حسب دوره تحصیلی

انتظارات از ازدواج	دوره تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی‌داری
انتظار از ازدواج	کاردانی	۷	۳/۷۸	۰/۵۰	۱/۳۳۴	۰/۲۶۸
	کارشناسی	۵۷	۳/۷۹	۰/۴۰		
	کارشناسی ارشد	۳۱	۳/۶۲	۰/۴۸		
	دکتری	۵	۳/۵۶	۰/۴۹		
	کاردانی	۷	۳/۸۵	۰/۵۳		
انتظار واقع‌گرایانه	کاردانی	۷	۳/۸۵	۰/۵۳	۱/۱۲۳	۰/۳۴۴
	کارشناسی	۵۷	۳/۸۶	۰/۳۹		
	کارشناسی ارشد	۳۱	۳/۷۵	۰/۵۱		
	دکتری	۵	۳/۵۳	۰/۵۶		
	کاردانی	۷	۳/۶۸	۰/۴۹		
انتظار ایده‌آل‌گرایانه	کاردانی	۷	۳/۶۸	۰/۴۹	۱/۸۶۱	۰/۱۴۱
	کارشناسی	۵۷	۳/۷۳	۰/۴۵		
	کارشناسی ارشد	۳۱	۳/۴۷	۰/۵۹		

			۵	۳/۷۷	۰/۶۱	دکتری
			۷	۲/۳۱	۰/۵۱	کارדانی
			۵۷	۲/۴۱	۰/۷۰	کارشناسی
انتظار بدبینانه	۱/۹۷۷	۰/۱۲۳	۳۱	۲/۵۶	۰/۴۸	کارشناسی ارشد
			۵	۳/۰۶	۰/۷۳	دکتری

نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که بین دانشجویان دختر براساس دوره تحصیلی در مورد انتظار از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه از ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور تبیین تغییر معیارهای همسرگزینی و افزایش سن ازدواج دختران، می‌توان از سه رهیافت اجتماعی (نظریه مدرنیزاسیون)، اقتصادی (نظریه مبادله) و فرهنگی (نظریه برابری جنسیتی) استفاده کرد. وقتی از ازدواج صحبت می‌شود، موضوعاتی مثل نقش‌های مورد انتظار از همسر و انتظارات و اهداف از تشکیل خانواده و ازدواج به ذهن می‌رسد (خمسه، ۱۳۸۴). زوجین با انتظاراتی وارد ازدواج می‌شوند که از تعامل بین افراد و تعدادی از عوامل مثل خانواده مبدأ، باورهای جامعه، سنت، و عواملی مانند آن حاصل شده‌اند (شارپ و گانونگ^۱، ۲۰۰۰). در گذشته فرد به هنگام ازدواج بیش‌تر پایبند ملاحظات اقتصادی و اجتماعی بود ولی امروزه، علی‌رغم توجه روزافزون به این‌گونه موارد، بیش‌تر طالب همسری است که با او هماهنگی فکری و روحی داشته باشد و از نظر امور ذهنی و معنوی با وی همسانی داشته باشد. این مسئله در انتخاب همسر اثر گذاشته و انتخاب را مشکل‌تر و در نتیجه سن ازدواج را عقب‌تر می‌برد (کاظمی پور، ۱۳۸۸).

در پژوهش حاضر که با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان دختر مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به انتظار از ازدواج انجام گردید، نتایج نشان داد که انتظار واقع‌گرایانه از اولویت بالاتری برخوردار بوده و انتظار بدبینانه دارای پایین‌ترین اولویت است. یافته‌های پژوهش استاکمن و همکاران (۲۰۱۶)؛ شیوالی و همکاران (۲۰۱۲)؛ سروتی و وبر (۲۰۱۱)؛ و بیدی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دهنده دیدگاه

۱. Sharp & Ganong

مثبت زنان نسبت به ازدواج بود. در حالی که در پژوهش نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۰) مشخص گردید که دختران انتظار بدبینانه‌ای از ازدواج دارند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که با افزایش سن، میزان کلی انتظار از ازدواج، انتظار واقع-گرایانه و انتظار ایده‌آل‌گرایانه کاهش و انتظار بدبینانه افزایش می‌یابد. در این رابطه نتایج پژوهش با نتایج پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. در حالی که در پژوهش نقیبی و حمیدی (۱۳۹۴) بین متغیرهای دموگرافیک و نگرش نسبت به ازدواج، ارتباط معنی‌داری یافت نشد.

دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیش‌تر از گذشته شده است (کاظمی پور، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، انتظار کلی از ازدواج، انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه از ازدواج بر حسب مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. در حالی که در پژوهش کوتینهو (۲۰۱۳) تحصیلات بالا به عنوان یکی از عوامل مهم در زمان تصمیم‌گیری برای ازدواج شناخته شده و در پژوهش تورنتون (۲۰۰۵) و کاظمی پور (۱۳۸۸) ادامه تحصیل و گسترش تحصیلات، از دلایل افزایش سن ازدواج بود.

پیشنهادها

- با توجه به حساس بودن مقوله ازدواج و اینکه امری فطری و غریزی بوده و دین مبین اسلام نیز تأکید فراوانی به این امر مقدس نموده است، و با استناد به نتایج پژوهش که حاکی از افزایش انتظار بدبینانه گروه هدف با افزایش سن بود، بایستی اقدامات مؤثری در جهت ایجاد انگیزه نسبت به امر ازدواج در دانشجویان از طریق فعالیت‌های امور فرهنگی دانشگاه و برگزاری جشن‌های ازدواج دانشجویی؛ انجام شود.

- با توجه به این که متغیرهای زیادی غیر از انتظار از ازدواج در تأخیر ازدواج دخیل می‌باشند، برگزاری جلسات مشاوره برای دانشجویان در راستای اطلاع‌رسانی در مورد هدف از ازدواج، عوامل آسیب‌رسان به ازدواج، توجه به مسائل اخلاقی و فرهنگ ساده‌زیستی در ازدواج، و به‌طور کلی عوامل مؤثر در ازدواج از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روانی و... توصیه می‌گردد. همچنین با توجه به این که یکی از علل عدم ازدواج به موقع، دخالت والدین و یا معیارها و آگاهی‌های نادرست آنان در مورد این مقوله می‌باشد، توصیه می‌گردد تا در جهت ارائه آگاهی‌های صحیح در مورد ازدواج با توجه به شرایط روز جامعه، امکان حضور والدین دانشجویان در جلسات مشاوره و جشن‌های ازدواج دانشجویی فراهم گردد.

References

-Afruz, Gh. A. (2002). **Psychological foundations of marriage in the context of Islamic culture and values**, Tehran University Press and Publishing.

-Astin Afshan, P. (2001). The study of the evolution of marriage age and social factors - the population that affected it during the years 1976- 1996, **Master's thesis**, University of Tehran, Faculty of Social Sciences.

-Azad Armaki, T. (2007). **Iranian Family Sociology**, Tehran: Samt.

-Bagherian, M., Kazemian, S. (2011). The Relationship between Attitude toward Marriage and Divorce with Family Social Climate Components among the Students of Hazrat Zeinab School of Nursing, **Dena Quarterly**, 6 (1,2): 11-20.

-Baghianimoghadam, M. H., Masoudi Borujeni, D., Mirzaei Alavijeh, M., Shahbazi, H. (2011). A Survey of the Youth Toward Knowing the Future Spouse and Shared Life, Borujen, Iran, **Journal of Health ... Researches**, 7 (6): 693-701.

-Bidi, M., Ebrahimi Aval, H., Sami Mahbub, S., Atiyedust, S. (2012). Assessing Sabzevar University of Medical Science Student's viewpoint regarding marriage in 2011, **Journal of Student Research Center Sabzevar University of Medical Sciences**, 17 (3,4): 34-40.

- Braaten, E. B., & Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. **Journal of Divorce & Remarriage**, 29 (3-4): 83-91.

- Coutinho, R. Z. (2013). Attitudes toward marriage during the transition to adulthood in the United States: a multi - methods, representative, approach, University of North Carolina at Chapel Hill, **International Union for the Scientific Study of Population**. pp: 1-6.

-Dejhkam, M. R. (2011). **Marriage Counseling**, Tehran: Denis.

- Dillion, H. N. (2005). Family violence and divorce: Effects on marriage expectation. **Electronic Theses and Dissertations**, Tennessee State University.

- Downey, G., Freitas, A. L., Michaelis, B., & Khouri, H. (1998). The self-fulfilling prophecy in close relationships: Rejection sensitivity and rejection by romantic partners. **Journal of personality and social psychology**, 75. (2): 545-60.

-Eazazi, SH. (2001). **Family Sociology, with an emphasis on the role, structure and functioning of the family in contemporary times**, Tehran: Roshangan and Women's Studies publication.

-Fallahi, M., Fallahchai, S. R., Zareie, E. (2014). A comparison of expectations and purpose of marriage of women and girls in Shiraz, **Journal of women in culture and arts**, 6 (3): 345-360.

-Gheibi, H. (2009). **Reasons for increasing the marriage age of youth**, www.modiryar.ir.

-Habibpour Gatabi, K., Ghaffary, GH. (2011). A Study on The Causes of Rising Marriage Age Among Girls, **Women in Development and Politics**, 9 (1): 7-34.

-Holman TB. (2001). **premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice**, New York: Kluwer Academic / Plenum Publishers. 2001. Rutledge.

-Hosseini, S. H., Izadi, Z. (2016). The Phenomenology of lived – Experiences of Women Over 35 Years of Age Who Have Never Married in Tehran, **Quarterly Journal of women's studies Sociological & Psychological**, 14 (1): 41-72.

-Hossein pour Langroudi, F., Nouri Ghasem Abadi, R., Vakili, P. (2013). – The Relationship between Attachment Style and Attitude Among Undergraduate Students' of Tehran University, **Journal of Educational Administration Research Quarterly**, 4 (15): 112-125.

- Jones, G.D., Nelson, E.S. (1996). Expectations of marriage among college students from intact and bit-intact homes. **J Divorce Remarriage**, 26: 171-189.

-Kanani, M. A. (2006). The Link between Tradition and Modernization in Raising the Age of Marriage: Iranian Torkman Sample, **Quarterly Journal of Iranian Demographic Society**, 1 (1): 104-124.

-Karayi, A., Kiyampour Barjouyi, N., Gheysari, B. (2016). Identifying the factors affecting the increase of negative attitude towards marriage in single university students of Ahwaz, **Journal of Social Psychology**, 11 (40): 17-30.

- Kazemipour, SH. (2010). Understanding the status of marriage of young people of different ages with respect to demographic characteristics, **Hura (Scientific Social Cultural Women's Journal)**, 36: 30-37.

-Kazemipour, SH. (2009). Measuring the Attitudes of Young People to Marriage and Recognizing Its Effects and Consequences by Emphasizing Student Marriages, **Culture In The Islamic University**, 13 (2).

-Khamseh, A. (2005). **Premarriage Training: A Practical Guide to young Couples**, Tehran: Alzahra University Publication.

- Khojasteh mehr1 R, Mohammadi2 A, Abbas pour Z. Married Students' Attitude to Marriage: A Qualitative Study. **IJPN**. 2016; 4 (2) :19-28.

- Mohebi, F., Sayyah, M., saadat Hoseyni, SH. (2016). Delay Significations in Female Students' Marriage, **Culture in The Islamic University**, 6 (19): 251-274.

-Naghibi, S. A., Hamidi, M. (2015). Attitude of Youth towards Marriage in Qaemshahr, **J Mazandaran Univ Med Sci**, 25(131): 159-164

- Nikkhah, H. A., Fani, M., Asgharpour, A. (2017). Students' Attitude Towards Marriage and Factors Affecting It, **Journal of Applied Sociology**, 28 (3), 99-122.

- Nilforushan, P., Abedi, A., Navidian, A., Ahmadi, S. A. (2011). Studying the factor structure, reliability, and validity of the Marriage Expectation Scale (MES), **Journal of Behavioral Sciences**, 5 (1): 11-19.

- Omege, M. I. (2013). Critical issues in marriage failure in Benin City, Nigeria: Signaling the way forward. **European Scientific Journal**. 9 (5): 324-337.

- Park, S. S., & Rosén, L. A. (2013). The marital scales: Measurement of intent, attitudes, and aspects regarding marital relationships. **Journal of Divorce & Remarriage**. 54 (4): 295-312.

- Rios, C. M. (2010). **The Relationship between Premarital Advice, Expectations and Marital Satisfaction** [dissertation]. [Utah]: Utah State University. P: 67.

-Sdeghe Fasaee, S., Isari, M. (2015). Sociological study of divorce types, **Social Issues of Iran**, 6 (1): 131-156.

- Servaty, L. & Weber, K. (2011). The relationship between gender and attitudes toward marriage, **Journal of Student Research**. pp: 1-17.

-Papalia, D. E. (2002). **A child's world: infancy through adolescence**. New York: McGraw Hill.

- Sharp, E.A., Ganong, L.H. (2000). Raising Awareness About Marital Expectations: Are Unrealistic Beliefs Changed by Integrative Teaching? **Fam Relat.** 49 (1): 71-76.

-Shekarbeigi, A., Ahmadi, O. A., Ebrahimi Manesh, M. (2016). Semantic Representation of Nature of Married Life in Failed Marriages (Constructivist Approach), **Woman and Society Quarterly**, 7 (26): 69-88.

- Shivalli, R., Chitagubbi, G., & Devendrappa, S. (2014). Perception of values of present college youth towards marriage. **International Journal of Farm Sciences.** 2 (1): 153-158.

- Stackman, V. R., Reviere, R., & Medley, B. C. (2016). Attitudes toward marriage, partner availability, and interracial dating among black college students from historically black and predominantly white institutions. **Journal of Black Studies.** 47 (2): 169-192.

- Steinberg, S. J., Davila, J., & Fincham, F. (2006). Adolescent marital expectations and romantic experiences: Associations with perceptions about parental conflict and adolescent attachment security. **Journal of Youth and Adolescence.** 35 (3): 314-329.

-**Sureh Room.** Ayeh 21.

- Thornton, A. (2005). **Reading History Sideways: the Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life.** Chicago, IL: University of Chicago Press.

- Wardle, L. D. (2011). The boundaries of belonging: Allegiance, purpose and the definition of marriage. **Journal of Public Law.** 25: 287-315.

- **vasayel alshiee**, Vol. 14, Tehran: Eslamiye.

- West, A. E. (2006). **Relational standards: Rules and expectations in romantic relationships.** A Ph.D. thesis. Australian Catholic University National.

- Wise, R. King, S. (2008). Family environment and friendship qualities. **Journal of Family Issues.** 3. (4): 827-831.

